افشای راز کلاهبرداری‌های مرد اعدامی و مربی بدنسازی

گروه حوادث/ مرد اعدامی که کلاهبرداری می‌کرد، اعضای باند خشن سرقت از خانه‌ها، ورزشکاری که وام خیالی می‌داد و ده‌ها مجرم دیگر که در طرح کاشف پلیس دستگیر شدند جزئیات شرارت‌های خود را فاش کردند.

سرقت‌های خشن از خانه‌های مردم

در میان متهمان دستگیر شده در طرح کاشف پلیس اعضای یک باند حضور دارند که با ورود به خانه‌های مردم و بستن دست و پای اعضای خانواده سرقت‌های‌شان را اجرا می‌کردند. سارقان برای اجرای نقشه‌های‌شان، گاهی مالباخته‌ها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند.

یکی از اعضای این باند خشن به «ایران» گفت: برای ورود به خانه‌ها یا از دیوار و بالکن بالا می‌رفتیم یا زنگ خانه‌ها را به صدا درمی آوردیم بعد از وارد شدن اگر کسی در خانه بود دست و پای آنها را بسته و با تهدید قمه، وسایل گران‌قیمت شامل پول، طلا، سکه، ارز و یا تابلو فرش‌های کوچک را سرقت می‌کردیم.

■ از این سرقت‌ها چقدر گیرتان می‌آمد؟

د رهر سرقت فرق داشت مثلاً از خانه یک زن حدود ۱۵ میلیارد تومان سرقت کردیم. کلی پول، طلا، سکه و حدود ۵۰ هزار دلار بود که ۱۵ میلیارد تومانی می‌شد.

■ سابقه داری؟

بله، سال‌ها قبل با چند نفر از دوستانم نقشه سرقت از طلافروشی را اجرا کردیم اما دستگیر شدیم. بعد از آزادی دوباره به‌خاطر درگیری بازداشت شدم. صاحب یک قهوه‌خانه هستم که با یک مشتری چشم در چشم شدم.

دعوا بالا گرفت و دست به اسلحه شدم و پسر جوان را زخمی کردم. به همین دلیل در دادگاه محکوم به پرداخت دیه و زندان شدم. از زندان که برای دومین بار آزاد شدم و به قهوه‌خانه رفتم، در یک دورهمی شبانه با دوستانم تصمیم به سرقت از خانه‌ها گرفتیم.

از حکم اعدام تا کلاهبرداری

۱۶ سال با کابوس اعدام و چوبه دار در زندان زندگی‌اش تباه شد اما وقتی حکمش شکسته شد و از زندان بیرون آمد قدر این آزادی و زندگی دوباره را ندانست و مدتی بعد با شگردی که در زندان آموخته بود، کلاهبرداری‌هایش را شروع کرد.

■ به چه جرمی بازداشت شدی؟

کلاهبرداری. اتفاقی شماره تلفن‌های مختلف را می‌گرفتم و اگر زنان سالخورده تلفن را پاسخ می‌دادند، به آنها می‌گفتم که برنده سفر به کربلا و عتبات شده اید و از آنها می‌خواستم که به مقابل دستگاه عابر بانک بروند و کدی را که من می‌گویم وارد کنند. در واقع با این شیوه از آنها کلاهبرداری و حسابشان را خالی می‌کردم.

■ پول‌ها به چه حسابی واریز می‌شد؟

من از مغازه‌های مختلف لوازم خانگی، پوشاک، کیف، کفش و لوازم برقی کالایی را برای خرید انتخاب می‌کردم و شماره کارت آنها را می‌گرفتم و زمانی که طعمه‌هایم پای دستگاه عابربانک می‌رفتند، شماره کارت مغازه‌داران را به آنها می‌دادم در واقع پول به حساب آنها واریز می‌شد و من هم کالای مورد نظرم را می‌گرفتم.

■ چقدر کلاهبرداری کردی؟

بالای یک میلیارد تومان بود اما مبلغ دقیقش را به خاطر ندارم چون من بعد از خرید کالا، آن را می‌فروختم و خرج زندگی می‌کردم.

■ به چه جرمی محکوم به اعدام شده بودی؟

۱۶ سال از عمرم به خاطر قاچاق هروئین و کراک پشت میله‌های زندان گذشت، محکوم به اعدام شدم، اما بعد از کلی تلاش و نوشتن توبه نامه درنهایت حکمم شکسته شد و به حبس ابد محکوم شدم و در نهایت هم بعد از ۱۶ سال زندان آزاد شدم.

■ رفتن تا یک قدمی مرگ هم باعث نشد متنبه شوی؟

چاره‌ای برایم نمانده بود، به کسی که سابقه اعدام در پرونده‌اش دارد کار نمی‌دهند. تأمین هزینه زندگی، مرا وادار کرد دست به چنین کاری بزنم و این شگرد را هم در سال‌هایی که در زندان بودم یاد گرفتم.

کلاهبرداری با پرداخت وام فوری

بعد از ۴ سال فرار بازداشت شده، ورزشکار است اما با تأسیس شرکت صوری و به بهانه پرداخت وام، دست به کلاهبرداری می‌زد.

■ شیوه و شگردت برای کلاهبرداری چه بود؟

یک دفتر اجاره کردم و در روزنامه آگهی منتشر می‌کردم با عنوان پرداخت وام با شرایط آسان. افرادی که دنبال وام بودند هم با تصور اینکه وامی در کار است به شرکتم می‌آمدند. با پرداخت ودیعه یک میلیون تومانی یا بیشتر وعده اعطای وام ۸۰ میلیونی با پرداخت سریع، شرایط خاص و سود کم می‌دادم. اما وقتی ودیعه‌ها را واریز کردند با برداشتن پول افراد، فراری شدم بی‌آن‌که وامی به آنها بپردازم.

■ از چند نفر کلاهبرداری کردی؟

حدود ۱۶۷ تا شاکی دارم.

■ ورزشکار هم هستی؟

من مربی بدنسازی هستم و در این مدت که فراری بودم در باشگاه‌های ورزشی مختلف با هویت جعلی کار می‌کردم که سرانجام دستگیر شدم.

اموال مالباختگان بانک ملی به زودی تحویل می‌شود

سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس پایتخت در حاشیه اجرای طرح کاشف از دستگیری ۳۴۲ متهم خبر داد که ۷۷ نفر از آنها سارقان گوشی و زورگیر بودند. همچنین ۶۱ نفر سارق خانه، ۵۹ نفر سارق خودرو و موتورسیکلت و ۸۹ نفر جاعل و کلاهبردار و ۲۹ نفر نیز قاتل و سارق مسلح بودند که این سارقان و محکومان به یک هزار و ۵۸۸ سرقت اعتراف کردند. همچنین در این مرحله ۲۷ نفر از محکومان فراری نیز دستگیر شدند. سردار رحیمی مجموع دستگیرشدگان در پرونده سرقت صندوق امانات بانک ملی را ۱۳ نفر اعلام کرد و گفت، سه متهمی که در یکی از کشورهای همسایه با همکاری اینترپل دستگیر شده بودند، با رایزنی‌ها بین مقامات دو کشور در هفته جاری به کشور منتقل خواهند شد. فرمانده انتظامی تهران ادامه داد: بیش از ۹۰ کیلوگرم طلا و جواهرات سرقت شده از صندوق‌های امانات بانک ملی از متهمان دستگیر شده کشف شد که تمامی این اقلام به خزانه بانک ملی تحویل داده شد و تصاویر همه اشیای کشف شده در سامانه بانک ملی قرار گرفته و به‌زودی با حضور نماینده پلیس، نماینده دادستان تهران و نماینده بانک ملی اموال به مردم تحویل داده خواهد شد.

دستگیری ۷۷ متهم در دومین طرح ضربتی پلیس البرز

گروه حوادث/ دومین مرحله از طرح ضربتی دستگیری سارقان و خریداران اموال مسروقه در استان البرز در حالی اجرا شد که ۲۱ باند سرقت و ۷۷ سارق و خریدار اموال مسروقه دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، صبح دیروز سردار قاسم رضایی، جانشین فراجا در بازدید از مرکز پلیس آگاهی استان البرز گفت: انجام مسئولیت‌ها و مأموریت‌های محوله و ایجاد امنیت و آرامش یکی از مهم‌ترین اولویت‌های نیروی انتظامی است. وی با اشاره به اینکه امنیت مردم خط قرمز پلیس به شمار می‌رود، افزود: این قول را به هموطنان خود می‌دهیم که از حقوق شهروندی آنها دفاع کرده و با هنجارشکنان و کسانی که امنیت مردم را به خطر می‌اندازند برخورد قاطع داشته باشیم. برخی سارقان سابقه‌دار ۵۰ تا ۶۰ بار سابقه سرقت دارند که نباید به این افراد نگاه جرمی داشت، زندان رفتن به این شکل بازدارنده نیست، باید از کمک و مساعدت نمایندگان مجلس برای تصویب قانون استفاده و در صورت نیاز طرح‌های دو فوریتی برای تشدید مقابله با سرقت تصویب شود. سردار رضایی با بیان اینکه در حال حاضر مشکل عمده در سرقت‌های خرد است و باید قانونی برای مقابله با سرقت‌های خرد تصویب شود، ادامه داد: در بحث دستگاه قضایی برخی قوانین دست دستگاه قضایی را برای برخورد با برخی جرایم بسته است و باید در این باره دغدغه مردم رفع شود. از سوی دیگر پلیس نیز تمام ظرفیت خود را به کار بسته اما اینکه بخواهیم در هر مکانی یک نگهبان قرار بدهیم برای ما امکانپذیر نخواهد بود، این در حالی است که وقتی سارقان با دسته کلیدهای آنچنانی اقدام به سرقت می‌کنند نشان می‌دهد که قانون باید به گونه‌ای دیگر اعمال شود. سردار رضایی درباره وضعیت کشف جرائم در استان البرز نیز گفت: استان البرز خوشبختانه در میان ۵ استان برتر کشور در زمینه کشف جرایم قرار دارد و ۸۵ درصد جرایم در این استان کشف شده است.

سردار محمدیان رئیس پلیس استان البرز نیز گفت: در اجرای طرح ضربتی دستگیری سارقان و خریداران اموال مسروقه ۲۱ باند در قالب ۷۳ سارق و چهار مالخر در استان البرز طی ۷۲ ساعت شناسایی و دستگیر شدند که ارزش اموال کشف شده بیش از ۱۷ میلیارد تومان است.

سارق ۱۶ ساله

در میان دستگیرشدگان پسری ۱۶ ساله بود که همراه پدرش دست به سرقت می زد.

■ از کجا سرقت می‌کردید؟

همراه پدرم از حیاط‌خانه‌های مردم سرقت می‌کردیم، در واقع هر چه جلوی چشم‌مان بود را می‌دزدیدیم.

■ مدرسه می‌روی؟

خیر یک سالی هست که دیگر مدرسه را ترک کردم.

■ چرا با پدرت به سرقت می‌رفتی؟

پدرم بیکار بود، نمی‌توانست خرج زندگی را بدهد از من هم خواست همراهش بروم.

■ الان پشیمانی؟

خیلی زیاد، من به درس و مدرسه علاقه داشتم اما پدرم نگذاشت ادامه تحصیل بدهم الان آینده‌ام نابود شده و سابقه‌دار شدم.

سرقت‌های زن میانسال

زن میانسالی به اتهام سرقت دستگیرشده که به قول خودش می‌خواسته در آژانس بانوان کار کند اما حالا روانه زندان شده است.

■ سابقه داری؟

این سومین بار است که دستگیر شدم.

■ چرا دستگیر شدی؟

یک مرد که از قبل با هم دوست بودیم کلید خانه‌ای را به من داد و گفت برو آنجا هر چه هست سرقت کن من و دوستم سحر با هم رفتیم و اشیای گرانقیمت را سرقت کردیم.

■ قبلاً هم به جرم سرقت دستگیر شده بودی؟

بله آخرین بار که آزاد شدم، توبه کردم و می‌خواستم آژانس بانوان راه‌اندازی کنم تا زنانی مثل خودم را سر کار بگذارم اما چون سابقه‌دار بودم، نتوانستم مجوز بگیرم و کسی هم به یک زن سابقه‌دار کار نمی‌داد؛ به همین خاطر مجبور به سرقت شدم.

■ چند سال حبس بودی؟

۷ سال.

دستگیری قاتل همسر

مرد ۳۵ ساله که به اتهام قتل همسرش بازداشت شده و در کنار سایر متهمان قرار داشت، در حالی که لباس‌هایش خونی بود، گفت: وقتی از سر کار به خانه برگشتم، بشدت خسته بودم و سر موضوعی با همسرم درگیر شدم.

او مدام بیرون می‌رفت و این کار او باعث شده بود حساس شوم، بحث ما در این باره بالا گرفت من ناگهان چاقوی آشپزخانه را برداشتم و چند ضربه به او زدم بعد از چند ثانیه بود که تازه فهمیدم چه کار کردم.

من ۱۴ سال است که ازدواج کرده‌ام و دارای چهار فرزند هستم. در این مدت بنایی یا هر کاری که دستم می‌آمد انجام می‌دادم اما همیشه همسرم سرناسازگاری با من داشت.

اجاره آدمکش‌های ۱۰۰ میلیون تومانی برای قتل تاجر لاستیک

گروه حوادث/ اختلاف ۴۰۰ هزار دلاری، تصاحب زمین چند هزار متری و تخریب خانه تاجر افغانستانی انگیزه‌ای شد تا وی با اجیر کردن دو نفر از همولایتی‌هایش، نقشه قتل تاجر لاستیک خودروهای سنگین را اجرا کند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت۲۱ یکشنبه ۲۹ خرداد، به‌دنبال شنیدن صدای تیراندازی در یکی از خیابان‌های پایتخت، اهالی محل خود را به خیابان رساندند و با جسد مرد میانسالی پشت فرمان خودروی پژو مواجه شدند.

با قتل مرد ۶۴ ساله، بازپرس محمدجواد شفیعی و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل شدند. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که مرد میانسال با شلیک یک گلوله به سرش به قتل رسیده است. تحقیقات میدانی نشان می‌داد که خانه مرد پژوسوار در چند قدمی محل جنایت است و مرد میانسال قصد ورود به پارکینگ خانه‌اش را داشته اما دو مرد پیاده به سمت خودروی او آمده و با شلیک یک گلوله به زندگی‌اش پایان دادند. مقتول تاجر لاستیک‌های سنگین بود و تحقیقات تیم جنایی نشان می‌داد ۱۰ روز قبل هم، عاملان جنایت، قصد قتل مرد تاجر را داشتند اما به اشتباه شریک او را مورد هدف گلوله قرار داده بودند.

در ادامه تیم جنایی به بررسی دوربین مداربسته اطراف محل جنایت پرداخته و تصاویر مردان مسلح به‌دست آمد.

تحقیقات کارآگاهان نشان می‌داد که مقتول مدتی قبل به خاطر مالکیت زمینی بزرگ، با تاجری افغانستانی اختلاف داشته و با حکم دادگاه نیمی از زمین را تصرف کرده بود. همچنین مشخص شد مقتول با تاجر افغانستانی یک اختلاف ۴۰۰ هزار دلاری نیز دارد. در ادامه کارآگاهان هویت مردان مسلح را شناسایی و هر دو را دستگیر کردند. متهمان اعتراف کردند که از سوی مرد تاجر اجیر شده بودند.

یکی از دو مرد متهم گفت: شیرمحمد، تاجر افغانستانی، مدت‌ها قبل با مقتول آشنا شده و مراوده کاری و مالی داشتند. آنها در زمینه صادرات و واردات لاستیک خودروهای سنگین با هم کار می‌کردند. اما چند وقت قبل تاجر ایرانی ۴۰۰ هزار دلار برای انجام مراوده‌های کاری و تجارت به شیرمحمد داد. اما هربار که سراغ پولش را می‌گرفت شیرمحمد طفره می‌رفت. از طرفی او قصد داشت زمینی را که شریکی خریده بودند تصاحب کند.

او ادامه داد: اختلاف آنها ادامه داشت تا اینکه مقتول چند نفر را در افغانستان اجیر کرد تا محل زندگی خانواده شیرمحمد را تخریب کنند تا درس عبرتی برای او باشد و شیرمحمد بدهی‌اش را برگرداند، اما همین کار انگیزه‌ای شد تا شیرمحمد از او انتقام بگیرد.

متهم گفت: شیرمحمد چند روز قبل سراغ ما آمد و خواست تا یک گلوله به سمت تاجر ایرانی شلیک کنیم. حتی برای این کار دستمزد ۱۰۰ میلیونی به ما داد که به خاطر پول قبول کردیم. یک گلوله داخل اسلحه کلتی بود که شیرمحمد به ما داد. ما هم چند روز قبل از قتل مقابل محل کار او رفتیم تا انتقام بگیریم، اما او و شریکش همزمان از محل کارشان بیرون آمدند و ما به اشتباه شریک او را هدف تیراندازی قرار دادیم چون او هم ماشین پژو داشت.

وقتی فهمیدیم اشتباهی شریکش را زده‌ایم دوباره نقشه دیگری کشیدیم و این بار موفق به قتل مرد تاجر شدیم، اما تصورش را نمی‌کردیم که به این سرعت شناسایی و دستگیر شویم. قرار بود بزودی از ایران خارج شویم اما نقشه فرارمان ناکام ماند و گیر افتادیم.

با اعتراف متهمان اجیرشده به قتل، به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای امور جنایی پایتخت، آنها در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند. تحقیقات برای دستگیری مرد تاجر ادامه دارد.

عامل شهادت مرزبانان ارومیه اعدام شد

گروه حوادث/ حکم اعدام عامل شهادت مرزبانان هنگ مرزی ارومیه اجرا شد.

به گزارش روابط عمومی دادگستری آذربایجان غربی سحرگاه دوشنبه ۳۰ خرداد حکم اعدام عامل شهادت ۲ نفر از مرزبانان به مرحله اجرا درآمد. گفتنی است این شخص با تیراندازی به سمت مرزبانان کشور موجب شهادت ۲ مرزبان و مجروح شدن ۳ نفر از مرزبانان هنگ مرزی ارومیه شده بود که پس از طرح پرونده در دستگاه قضایی و رسیدگی در دادسرا و صدور کیفرخواست و صدور حکم اعدام، تأیید و قطعی شدن حکم صادره در دیوان عالی کشور و طی مراحل اجرایی، حکم اجرا شد.

دادگاه خانواده

طلاق به خاطر پدر و مادر دروغین

گروه حوادث/ مرد جوان با چشمانی که خشم و افسوس در آن موج می‌زد به همسرش نگاه کرد. نگاهی که انگار می‌خواست بگوید چطور یک شبه همه آرزوهایش را بر باد داده است. اما در چشمان همسرش فقط التماس بود و پشیمانی. می‌خواست شوهرش را صدا کند که در همین موقع منشی یکی از شعب مجتمع قضایی خانواده آنها را به داخل فراخواند.

به محض ورود به شعبه محسن و مینا سلامی کردند و در حالی که زن جوان به طرف صندلی‌ها می‌رفت تا مقابل قاضی بنشیند، مرد جوان بدون مقدمه گفت: من نمی‌توانم با کسی که به من دروغ گفته و با حرف‌هایش مرا فریب داده و زندگی‌ام را به بازی گرفته زندگی کنم.

قاضی با خونسردی گفت: اول بگویید ماجرا چیست و اجازه بدهید من صحبت‌های هر دو شما را بشنوم تا بتوانم تصمیم بگیرم.

مینا تا خواست حرف بزند محسن گفت: شما چیزی نگو من خودم تعریف می‌کنم. آقای قاضی من و مینا دوستان مشترکی داریم که کار تئاتر می‌کنند و اولین بار هم برای دیدن نمایش دوستم به محل اجرا رفته بودم که مینا را دیدم. آنقدر از او خوشم آمد که بلافاصله بعد از پایان نمایش به سراغش رفتم و خواستم تا با هم بیشتر آشنا شویم حتی تأکید کردم که قصدم ازدواج است. مینا هم قبول کرد و با حضور خانواده‌های‌مان ۲ ماه بعد به عقد هم درآمدیم. البته من فکر می‌کردم که مینا با خانواده‌اش زندگی می‌کند. مدتی پس از عقدمان یک روز که به خانه مینا رفته بودم همسایه واحد کناری با دیدن من پرسید با چه کسی کار دارم و من هم خودم را معرفی کردم و گفتم که من داماد آقا رضا هستم. محسن نفس عمیقی کشید و ادامه داد: آقای قاضی کاش خودم را معرفی نمی‌کردم چرا که همسایه پاسخی داد که زندگی‌ام ویران شد. او گفت آقا رضا دختر ندارد. ابتدا فکر کردم من واحد را اشتباه آمده‌ام اما وقتی دیدم اشتباهی نکرده‌ام به همسایه گفتم مگر اینجا خانه آقا رضا و مریم خانم نیست؟ خوب من هم همسر دخترشان مینا هستم. اما همسایه با حالت تعجب گفت مینا که دختر آقا رضا نیست. از شنیدن این حرف به یکباره برافروخته شدم و خواستم بیشتر توضیح دهد که گفت به من ارتباطی ندارد و به داخل آپارتمانش رفت و در را بست.

به اینجای صحبت که رسید ناگهان مینا زیر گریه زد و گفت: اگر می‌گفتم پدر و مادر ندارم تو با من ازدواج نمی‌کردی. آقای قاضی من آنقدر به محسن علاقه‌مند شده بودم که می‌ترسیدم با شنیدن واقعیت با من قطع رابطه کند.

محسن جواب داد: با دروغ و نیرنگ؟! آقای قاضی آن لحظه احساس کردم شاید مرد همسایه واقعیت را نگفته به همین خاطر به سراغ سرایدار ساختمان رفتم و از او پرس و جو کردم که متوجه شدم مینا دختر این خانواده نیست بلکه پرستار آقا رضا و همسرش مریم خانم است و او در مدتی که با هم بودیم آنها را به جای پدر و مادرش معرفی کرده و من را فریب داده است. تازه وقتی هم برای اولین بار موضوع را گفتم زیر بار نمی‌رفت و منکر آن بود.

قاضی رو به مینا کرد و پرسید: حرف‌های همسرت را قبول داری؟

مینا آب دهانش را قورت داده و گفت: بله. سال‌هاست که پدرم اعتیاد دارد و من با مادرم زندگی می‌کردم. پس از فوت مادرم و برای اینکه بتوانم زندگی‌ام را تأمین کنم و محتاج کسی نباشم پرستار سالمندان شدم و به خانه زوج سالخورده‌ای رفتم و از آنها نگهداری می‌کردم. تا اینکه محسن وارد زندگی‌ام شد و من از ترس پیشینه خانوادگی‌ام از این زوج خواستم تا نقش پدر و مادرم را بازی کنند و آنها هم که فکر می‌کردند می‌توانند با کمک به من خوشبختم کنند، پذیرفتند. مینا با دستمال چشمانش را پاک کرد و ادامه داد: جناب قاضی باور کنید من مقصر نیستم. تقدیرم اینگونه بود و نمی‌خواستم محسن را با آگاهی از وضعیتم از دست بدهم. حالا هم اگر او تصمیم گرفته که من را طلاق دهد حق دارد و من نباید از ابتدا به او دروغ می‌گفتم. می‌دانم که اعتبارم را پیش او از دست داده‌ام و دیگر به من اعتمادی ندارد. فقط کاش من را درک می‌کرد و لحظه‌ای خودش را جای من می‌گذاشت و فرصت دیگری به من می‌داد.

قاضی لحظه‌ای تأمل کرد و رو به محسن گفت: حرف‌های همسرت را شنیدی او به خاطر علاقه‌ای که به شما داشته و برای اینکه از دست ندهد زندگی سابقش را پنهان کرده آیا حاضری او را ببخشی؟ محسن جواب داد: او به من دروغ گفته و اگر با این ماجرا کنار بیایم با خانواده‌ام چه کنم؟ آنها برایشان مهم است که عروس‌شان در چه خانواده‌ای بزرگ شده است. ای کاش از اول ماجرا را صادقانه با من در میان می‌گذاشت تا خودم آن را طور دیگری با خانواده‌ام مطرح می‌کردم. قاضی در پایان به محسن گفت: چند روز دیگر با پدر و مادرت در دادگاه حاضر می‌شوی تا با آنها صحبت کنم. فعلاً صورتجلسه را امضا کنید.

محسن هم گفت: من هم مینا را دوست دارم اما حرف من، حرف پدر و مادرم است و اگر آنها قبول کنند شاید از تصمیمم منصرف شوم.

■ امیرحسین صفدری کارشناس خانواده

متأسفانه دروغ و پنهانکاری آفت کشنده هر زندگی‌ای است. در این پرونده پنهانکاری بزرگ مینا آسیب جدی‌ای از نظر روحی به محسن زده است به طوری که او نمی‌داند واقعاً مینا دوستش دارد یا علاقه‌اش هم صادقانه نیست. بی‌تردید کار مینا اشتباه بوده و توجیحی هم ندارد. او باید از همان روز اول تمام ماجرای زندگی‌اش را به درستی بیان می‌کرد تا همسرش تصمیم بگیرد که آیا با این شرایط می‌خواهد با او ازدواج کند یا نه. اما پنهانکاری‌اش موجب شده تا اعتماد در خانواده‌شان از بین برود و اگر قرار باشد با هم زندگی کنند، مینا دیگر فرصت هیچ اشتباهی را ندارد و باید در همه موارد با صداقت رفتار کند.

خبر

ربودن دختر نوجوان برای قدرتنمایی

گروه حوادث/ پسر موتورسوار که به اتهام ربودن دختر جوانی در یکی از بوستان‌های تهران بازداشت شده در بازجویی‌ها مدعی شد برای قدرتنمایی این کار را کرده است. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»؛ چند روز قبل مرد جوانی با پلیس تماس گرفت و از ناپدید شدن دختر ۱۷ ساله‌اش به نام الناز خبر داد. او گفت: دیشب دخترم برای خرید از خانه خارج شد، اما دیگر برنگشت. همه جا را برای پیدا کردنش گشتم اما خبری از او نیست.

در حالی که ردیابی‌ها برای یافتن دختر نوجوان ادامه داشت ظهر روز بعد پدر الناز بار دیگر با پلیس تماس گرفت و گفت: دخترم با وضعیتی نامناسب و وحشت زده به خانه برگشته و مدعی است دو پسر او را ربوده و به باغی برده‌اند.

با این خبر، دختر نوجوان به دادسرا منتقل شد و وقتی مقابل بازپرس محمد امین تقویان نشست، گفت: پارکی در نزدیکی خانه‌مان است که پدرم مرا منع کرده بود به آنجا بروم. شب حادثه بدون اینکه به خانواده‌ام حرفی بزنم به پارک رفتم. داخل پارک بودم که چشمم به پدرم افتاد. از ترس در گوشه‌ای مخفی شدم و از پسر جوانی که در حال عبور بود خواستم که تلفن همراهش را به من بدهد تا به دوستم زنگ بزنم و به خانه‌اش بروم، اما پسر جوان که شایان نام داشت گفت خودم با موتور می‌برمت. من هم سوار موتورش شدم، اما او تغییر مسیر داد و از طرفی هم با یکی از دوستانش که خودروی پژو داشت تماس گرفت. زمانی که دوست شایان آمد، او با شوکر به من حمله کرد و مرا با زور سوار ماشین کرده و به باغی در اطراف تهران بردند. آنها مرا در اتاقکی در باغ حبس کردند و پسر پژوسوار مرا مورد آزار و اذیت قرار داد، البته هر چه شایان خواست مانعش شود موفق نشد و روز بعد هم شایان مرا به همان پارک برگرداند.

با شکایت دختر نوجوان و خانواده اش، شایان شناسایی و بازداشت شد. او در تحقیقات گفت: زمانی که الناز را سوار موتورم کردم، وسوسه شدم و به دوستم موضوع را گفتم. ما قصدمان اذیت و آزار نبود، فقط می‌خواستیم با این کار جلوی دوستانمان عرض اندام کنیم و بگوییم که ما یک دختر را با خودمان به باغ برده‌ایم، اما دوستم وسوسه شد و الناز را اذیت کرد، من واقعاً نمی‌خواستم بلایی سر او بیاید، به همین خاطر الناز را به خانه برگرداندم.

با اعتراف پسر جوان به دستور بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی پایتخت، وی بازداشت شد و تحقیقات برای دستگیری دوستش ادامه دارد.